

تحلیل روایت بازگشت و عدم بازگشت از روسپیگری به روایت زنان روسپی شهر تهران

چکیده:

این مقاله با هدف تحلیل بازگشت از روسپیگری یا ادامه آن به روایت زنان روسپی شهر تهران به نگارش درآمده است. بررسی تجربیات مشارکت کنندگان در فرآیند روسپیگری، در سه مرحله شروع، استمرار و بازگشت از تن فروشی، چهارچوب اصلی مقاله را تشکیل داده است که ضمن آن به بررسی و واکاوی زمینه های شکل گیری، تداوم و انصراف از آن از منظر زنان درگیر روسپیگری پرداخته است. رویکرد تحقیق حاضر، کیفی و روش آن تحلیل روایت و تجزیه و تحلیل مضامین آن است و مشارکت کنندگان بر اساس منطق نمونه گیری هدفمند انتخاب شده اند. یافته ها نشان می دهد خانواده نابسامان، بی پناهی و نداشتن مکان مناسب برای سکونت، نداشتن چهارچوب ها و باورمندی مذهبی بسترهای موثر در ورود به روسپیگری هستند. عدم تامین نیازهای اساسی، عوامل اقتصادی و تلاش برای دستیابی به سبک رفاه خاص، زمینه های روانی و عاطفی و تامین نیاز جنسی نیز از مؤلفه های اصلی هستند که باعث ماندگاری زنان در این نوع روابط می شوند و در نهایت علقه های عاطفی، تامین نیازهای ضروری، اهمیت دادن به خود و احساس خودارز شمنندی، پررنگ شدن حریم ها و چهارچوب های اخلاقی یا باورمندی مذهبی مؤلفه های موثر در خروج از این روابط برای زنان روسپی می باشند.

کلیدواژگان:

روسپیگری، زن، روایت

بیان مسئله:

روسپیگری یک رفتار پرخطر جنسی است که در اقشار مختلف زنان و در دامنه سنی متنوعی وجود دارد. از دیدگاه برخی جامعه‌شناسان مانند ژرژگوریچ^۱، روسپیگری یک پدیده اجتماعی با ابعاد مختلف و مبهم است که پیچیدگی‌ها و لایه‌های مختلف دارد و علاوه بر آن همراه با تحقیر و بهره‌کشی جنسی از زنان است (مهاجر، ۱۳۸۰: ۳۲).

تاکنون گزارش جامع و دقیقی از سوی مراجع رسمی پیرامون روسپیگری در ایران ارائه نشده است و باتوجه به غیرقانونی بودن روسپیگری در کشور نمی‌توان آمار دقیقی ارائه کرد. در سال ۱۳۹۰ انجمن جامعه‌شناسی ایران طی گزارشی سن ورود به روسپیگری را زیر ۱۶ سال اعلام کرد. روسپیگری منحصر به زنان مجرد نیست و ۱۰-۱۲ درصد روسپیان، زنان متاهل هستند. طبق گزارش سازمان بهزیستی در ۱۳۹۵ مردان متاهل ۴۰ درصد مشتریان زنان روسپی را تشکیل می‌دهند. در همان سال حدود ۲۲۰۰ زن تن فروش به مراکز بازپروری ارجاع داده شده‌اند که نزدیک به ۳۰ درصد از این افراد برای چندمین بار وارد این مراکز شده بودند (بهزیستی کشور، ۱۳۹۵). سودآوری بازار تن‌فروشی باعث توسعه روز افزون این صنعت در سطح جهانی شده است. چنانکه قوانین سخت‌گیرانه در کشورهایی مانند سوئد نیز نتوانسته است پیشگیری مؤثری از این مقوله داشته باشد و این بازار همچنان به قوت در منازل و مکان‌های غیررسمی وجود دارد (سلز، ۲۰۱۶: ۷۶).

مقوله روسپیگری از این جهت که خود یک آسیب اجتماعی است کانون توجه پژوهشگران علوم اجتماعی قرار گرفته است. از سوی دیگر آنچه ضرورت پرداختن به این موضوع را دوچندان می‌سازد آثاری است که روسپیگری به جامعه تحمیل می‌کند. تبعاتی مانند فروپاشی خانواده، بیماری‌های مقاربتی، اعتیاد، افزایش فرزندان بی سرپرست و... از دیگر تبعات خانوادگی و اجتماعی روسپیگری برشمرده شده است.

آنچه در این میان اهمیت بیشتری دارد واکاوی زمینه‌ها و علل شکل‌گیری این پدیده است. در فهم و تحلیل چهارچوب مند از رفتار روسپیگری اینکه چه زمینه یا عاملی سبب تشدید مانایی و عدم پایان‌پذیری آن می‌شود کاملاً تعیین‌کننده خواهد بود. در این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر در برگشت‌پذیری زنان روسپی و عدم برگشت‌پذیری آنها می‌پردازیم. بنابر آنچه گفته شد هدف از این پژوهش بررسی زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر تن‌فروشی و مراحل آن از یک سو و بررسی عوامل مؤثر بر بازگشت زنان از روسپی‌گری به روابط سالم از سوی دیگر و همچنین عواملی که زنان تن‌فروش را همچنان در این نوع کژکاری اجتماعی باقی‌نگه می‌دارد؛ در روایت زنان تن‌فروش است. براین اساس سوال اصلی این تحقیق آنست که بازگشت و عدم بازگشت از روسپیگری به روایت زنان روسپی شهر تهران چگونه است؟

پیشینه تحقیق و مبانی نظری:

از آنجا که این موضوع از پیشینه غنی برخوردار است، به نظر می‌رسد دسته‌بندی موضوعی، می‌تواند به گونه بهتری پژوهش‌های پیشین را ارائه نماید. روسپیگری، فروش تن در ازای دریافت پول، دارو یا مواد مخدر است (Monto, 2004: 162). در تعریف اسکات و مارشال، مفهوم مرکزی جلب توجه جنسی است که با هدف کسب پاداش مالی است که توسط فرد روسپی انجام می‌گیرد (اسکات و مارشال، ۲۰۰۹: ۱۲۵). امروزه روسپیگری در قامت یک مسئله اجتماعی است که معلول تسلسل عوامل بیرونی متعدد، به خصوص عوامل خانوادگی و اجتماعی به شمار می‌رود و خود زمینه مشکلات، انحرافات و جرایم بسیاری همچون الکلیسم، اعتیاد به مواد مخدر، از هم‌پاشیدگی خانوادگی،

¹ Georges Gurvitch

افزایش نوزادان نامشروع بدون پدر، شیوع بیماری‌های مقاربتی و... در سطح اجتماع خواهد بود. علاوه بر تامین نیازهای ضروری، گرفتن تایید و اعتماد به نفس از جنس مخالف و رسیدن به هیجان جنسی و دستیابی به حس برابری نیز از عوامل موثر بر روسپیگری می باشد (حمزه علی، ۱۳۹۳: ۶۶). تحقیر و بی توجهی والدین (ربانی خوراسگانی و قانع عزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۷) و تربیت نادرست و نابسامانی محیط خانوادگی از جمله عوامل موثر بر فرار دختران است که زمینه ساز روسپیگری می باشد (بلالی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴). در واقع دال مرکزی روسپیگری «برون داد درگیری در چرخه فقر، بی پناهی و بهره کشی جنسی» می باشد.

به طور کلی از بررسی پژوهش های انجام شده با رویکرد روانشناختی می توان گفت از نظر شیوه مقابله متمرکز بر هیجان، زنان روسپی با زنان عادی متفاوت هستند و در مواجهه با مشکلات احساس درماندگی بیشتری می کنند و میزان نگرانی همراه با اضطراب در این افراد بیشتر است (زارعی دوست و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۱) و از نظر ویژگی های شخصیتی هیجان طلبی زنان روسپی بیشتر است (انصاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲) و از گشودگی کمتری نسبت به سایر زنان برخوردارند و در واقع روسپیگری ناگزیری اجتماعی برای آنان است (صیدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸). احساس گناه و غفلت جنسی تاثیر زیادی بر اعتیاد جنسی دارد (رفیعی، ۱۳۹۹: ۲۳) و کسانی که در کودکی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند دو برابر بیشتر در معرض روسپیگری هستند (بگیان کوله مرز، ۱۴۰۰: ۴۳).

از مجموعه ی پژوهش های انجام شده از دیدگاه تاریخی نیز باید گفت ساختار جامعه ی رو سپیان از ساختار درباری به درون مردمی و از سنتی به مدرن تغییر کرده است (متعارفی، ۱۳۹۰: ۳۴). در برخی از دوره های حکومتی و سلطنتی مانند عصر صفوی روسپیگری شغلی مستقل محسوب می شده است و مالیات زیادی نیز به آن تعلق می گرفته و به همین دلیل منبع مالی خوبی برای دولت محسوب می شده است (شیدایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۳).

در بررسی نقش عاملیت فرد و ساختار در پدیده روسپیگری هم بنظر می رسد هر دو تعیین کننده هستند لکن بعضی پژوهش ها نقش ساختار و بعضی دیگر نقش فرد را برجسته تر می دانند. فقر از مهمترین عواملی است که اکثر پژوهش ها به آن اشاره کرده اند. روابط نابسامان خانوادگی و عدم تامین نیاز عاطفی فرد در کودکی، عدم تامین نیاز عاطفی زن از سوی همسر (بیدهندی، ۱۳۹۱: ۴۳) باورها و اعتقادات فرد و طبق مد بودن و اصلی شدن نیازهای فرعی (ربانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹) هم از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر این پدیده عنوان شده است که عاملیت فرد را موثرتر می داند. از نظر بعضی رویکردها مانند فمینیسم رادیکال، زنان روسپی امکان انتخاب ندارند و به نوعی تحت تاثیر جبر اجتماعی به روسپیگری روی می آورند که حاصل ستمگری و نابرابری اجتماعی است. فمینیسم رادیکال نقشی برای فرد قائل نیست و ساختار را در روسپیگری تعیین کننده می داند. در واقع روسپیگری به منزله استیصال است و فرد قدرت انتخاب ندارد (میرحسینی و لاریجانی، ۱۳۹۸: ۲۱). روسپیگری در چرخه ای از بهره کشی جنسی و فقر و تامین نیازهای اقتصادی و عدم حمایت اجتماعی و خانوادگی است، زمینه ی بروز روسپی گری را به لحاظ ساختاری فراهم می کند (کرمانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸).

با بررسی پژوهش های صورت گرفته بنظر می رسد عمده این پژوهش ها از یک منظر و یک بعد به موضوع پرداخته اند و نوعا در پی بررسی نسبت یک مقوله یا متغیر با روسپیگری بوده اند. تفاوت پژوهش حاضر با تحقیقات گذشته در این است که سعی دارد با نگاهی جامع تر به زمینه ها و عوامل شکل گیری و استمرار آن از منظر زنان تن فروش بپردازد. براین اساس در مصاحبه با زنان تن فروش و با روش تحلیل روایت برای بررسی مجموعه ای از عوامل استفاده می کند که زمینه ی ورود افراد به فعالیت تن فروشی را فراهم می کنند، همچنین عواملی که زنان را به تن فروشی سوق می دهد؛ و در

نهایت، مجموعه‌ای از عوامل که به زنان کمک می‌کند تا از وابستگی به این فعالیت خارج شوند را مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش تحقیق:

تحلیل روایت روشی برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در علوم اجتماعی می‌باشد که امروزه نسبت به گذشته اقبال بیشتری به آن وجود دارد. تحلیل روایت به نوعی کنکاش و تحلیل تجربه‌های واقعی و برساخت افراد بر مبنای روایت و بازگویی آن به همان صورت است. در این روش پژوهشگران فرایندها را به صورت دنباله دار و در یک ترتیب زمانی کشف می‌کنند. آنچه امکان استفاده از روایت را در تحقیقات اجتماعی فراهم می‌سازد، ویژگی‌های خاصی است که این روش دارد. از جمله بررسی طولی رویدادها بر اساس یک روند زمانی که دارای شروع، تداوم و پایان است که در روش تحلیل روایت وجود دارد (thompson, 1978: 26).

در این پژوهش مشارکت‌کنندگان به شیوه نمونه‌گیری نظری و با در نظر گرفتن حداکثر تنوع انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری هدفمند و معیارمند است. روش تحلیل یافته‌ها و مضامین مطابق روش ارائه شده توسط برون و کلارک (۲۰۰۶) و بر اساس مراحل زیر است: آشنایی با متن، ساخت کدهای اولیه، یافتن مضامین، تعریف مضامین با استفاده از مفاهیم و گزارش یافته‌ها. برخی از مشارکت‌کنندگان در گذشته تن فروش بوده‌اند، برخی دیگر همچنان از این راه کسب درآمد می‌کنند، بعضی مسئول خانه‌های تیمی یا به اصطلاح "خاله" هستند و طیف دیگری از زنان در خیابان‌ها فعالیت می‌کنند. از نظر تنوع نمونه: متأهل، مجرد، مطلقه، دارای فرزند، با سابقه سقط و حتی زنانی که با وجود شغل و درآمد به این کار ادامه می‌دهند را تشکیل می‌دهند. مشارکت‌کنندگان افراد بالغ (بیش از ۱۸ سال) هستند که می‌توانند درباره تجربیات خود صحبت کنند. مصاحبه با کسانی انجام شده که تجربه تن فروشی داشته و در سامان سراهای شهر تهران (تحت نظارت شهرداری) و گرمخانه‌ها و مراکز توانبخشی (تحت پوشش بهزیستی) حضور داشته‌اند. انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس منطق نمونه‌گیری نظری است که بر اساس آن مشارکت‌کنندگان به نحو تصادفی و گلوله برفی انتخاب نشده‌اند، بلکه بر اساس مفاهیم کشف شده در چند مصاحبه اول و جهت رفع خلا مفهومی یا تقویت ابعاد و خصیصه‌های مفاهیم و مقوله‌های آشکار شده از مصاحبه‌های پیشین انتخاب شدند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۴۱). در حال حاضر با توجه به گسترش فضای مجازی، دسترسی آسان و امکان بازاریابی غیرحضوری، روسپیگری مخفی‌تر از گذشته شده و از این رو مراجعه حضوری به زنان تن فروش را مشکل‌تر نموده است. برای مصاحبه با این افراد فرآیندی پیچیده و طولانی طی شده تا امکان دسترسی به آنها و مراکز نگهداری آنان به وجود آید.

جدول مشارکت کنندگان

کد	نام	سن	اهلیت	سابقه ازدواج	تعداد فرزند
۱	مینا م	۳۳ سال	شیراز	۱۲ سال و طلاق	۲ دختر
۲	بهنازب	۵۰ سال	سنندج	طلاق	-----
۳	پروانه پ	۴۲ سال	تهران	۴ سال و زندان	----
۴	جواهر ج	۴۰ سال	تهران	۱ سال با یک همسر فوت ۵ سال با همسر دیگر	۳ فرزند
۵	عشرت ع	۴۰ سال	تویسرکان	۱۶ سال طلاق	۲ فرزند
۶	مریم م	۲۳ سال	اهواز	مجرد	-----
۷	نجمه ن	۲۹ سال	بجنورد	۷ سال طلاق	۳ فرزند
۸	مونا م	۵۰ سال	قزوین	۵سال، خروج از منزل	۲ فرزند
۹	هاجره	۳۱ سال	قم	۱ سال طلاق	-----
۱۰	رویا ر	۴۱ سال	اندیمشک	۲۰ سال در حال طلاق	۲ فرزند

یافته های تحقیق:

در تبیین پدیده هایی همچون روسپیگری و تشریح علل بروز یا تشدید آن دو رویکرد اساسی در میان تحلیل گران علوم اجتماعی وجود دارد. در یک رویکرد پژوهشگر بدنبال عامل یا عوامل اصلی بوده و آسیب را نوعا از یک منظر تک ساحتی جستجو می کند. این رویکرد با در نظر گرفتن چرخه علل، آن را زنجیره ای بهم پیوسته می داند که با تحلیل علی معلولی می توان به ریشه های اصلی بروز عارضه دست یافت. از این منظر آسیب های اجتماعی از یک نقطه قابل شناسایی آغاز شده و در مقاطع مشخص با بروز دیگر عوامل و زمینه ها تشدید پیدا می کنند. براین اساس می توان مراحل پدیدایی و تقویت آن را در یک زنجیره علی بصورت پیوستاری تبیین و تفسیر نمود. رویکرد دوم پدیده های اجتماعی را عمدتا معلول چند علت می داند. در این رویکرد بطور همزمان عوامل و بسترهای فردی یا ساختاری در بروز پدیده و تقویت آن اثرگذار هستند و نمی توان بصورت خطی عارضه های اجتماعی را تبیین کرد. براین اساس تحلیل تک عاملی و تک ساحتی از عارضه های اجتماعی از دقت کافی برخوردار نبوده و نقش سایر علل را در نظر نمی گیرد. بنابراین هم در شکل گیری و هم در تشدید یک پدیده اجتماعی بایستی توأمان به مجموعه مؤلفه ها توجه کرد.

پژوهش حاضر از رویکرد دوم پیروی می نماید. براین اساس در یک نگرش کلی، مقوله روسپیگری در سه مرحله قابل بازخوانی است. مرحله اول که همان ورود است. مرحله دوم که از آن به استمرار یاد می شود بیانگر مقطع تقویت و ماندگاری در آن بوده و مرحله سوم بازگشت و انصراف از فعالیت روسپیگری را بیان می کند.

مشارکت کنندگان تعداد ده نفر افراد بالغ (بیش از ۱۸ سال) هستند که تجربه تن فروشی داشته و از تنوع لازم از نظر تأهل، مجرد، مطلقه، دارای فرزند و یا... برخوردارند و برخی در گذشته تن فروش بوده اند، برخی دیگر همچنان از این راه کسب درآمد می کنند، بعضی مسئول خانه های تیمی بوده و طیف دیگری از آنان در خیابان ها فعالیت می کنند.

در مرحله اول یا همان پدیدایی روسپیگری در زنان نقش زمینه ها بطور هم عرض مورد توجه قرار دارد. این عوامل اگرچه بی ارتباط از یکدیگر نبوده و در نسبت با یکدیگر می تواند به تقویت معنادار منجر شود اما نقش استقلالی هریک نباید مغفول واقع شود. در مرحله اول که مرحله ورود زنان به فعالیت روسپیگری است از سه زمینه خانواده نابسامان، نداشتن چهارچوب و مذهب و بی پناهی و نداشتن مکان امن بحث می شود. مرحله دوم که وادادگی و استمرار فعالیت روسپیگری است بر چهار عامل اصلی استوار است که عبارتند از بی پناهی و نداشتن مکان امن، تأمین نیاز عاطفی، تأمین نیاز جنسی و سبک درآمد خاص. مرحله سوم که خروج از روسپیگری است شامل چهار مولفه اصلی است که عبارتند از برطرف شدن نیازهای ضروری، تعلق عاطفی، اهمیت به خود و خودارزش مندپنداری و پررنگ شدن چارچوب ها و حریم ها.

مرحله	مولفه ها
مرحله اول: ورود	خانواده نابسامان / نداشتن چهارچوب و مذهب / بی پناهی و نداشتن مکان امن
مرحله دوم: تقویت و استمرار	بی پناهی و نداشتن مکان امن / تأمین نیاز عاطفی / تأمین نیاز جنسی / سبک درآمد خاص
مرحله سوم: خروج	برطرف شدن نیازهای ضروری / تعلق عاطفی / پررنگ شدن چارچوب ها و حریم ها / خودارزش مندپنداری

ورود

در مرحله ورود، به عوامل زمینه ساز روسپی گری پرداخته می شود. این عوامل که عمدتاً مرتبط به بسترهای رشد افراد می شود نقش مقدماتی را دارند که به تدریج اثر خود را برجای می گذارند. نحوه تاثیر عوامل زمینه ساز همچون ضربات کوچک مستمر است که تکرار و استمرار آن در ورود به مقوله روسپیگری عاملیت دارد. مقدمات و زمینه های ورود به تن فروشی در چند دسته قرار می گیرند. یکی از آنها خانواده نابسامان است. خانواده نابسامان خانواده ای است که در کارکرد های مورد انتظار از آن مانند مراقبت و نظارت، محبت و احترام، تامین مایحتاج زیستی و فراهم سازی بستری برای رشد دچار اختلال می شود. این نابسامانی ممکن است در خانواده مبدأ یا خانواده فرزند یاب بوجود آید. خانواده مبدأ خانواده ای است که فرد در آن رشد کرده است و خانواده ای که با ازدواج تشکیل می شود خانواده ی فرزند یاب است. یکی از مواردی که کارکردهای مورد انتظار خانواده را دچار اختلال می کند اعتیاد است. هنگامی که والدین یا همسر دچار اعتیاد هستند اولویت گذاری خانواده در تأمین نیازها جابجا شده و تأمین مواد مخدر جایگزین نیازهای سابق می شود. این خود زمینه ای را برای شکل گیری تجربه های اولیه تن فروشی بوجود می آورد:

«اولین بار به خاطر پدرم فرار کردم خرجی نمی داد معتاد بود» (کد ۳)

در برخی موارد فرزندان تبدیل به ابزاری برای تأمین هزینه های اعتیاد می شوند. در چنین موقعیتی نه تنها وضعیت فرزندان و اعضای خانواده و نیازهای آن ها اهمیتی پیدا نمی کند بلکه دختر یا همسر و سیله ای برای تامین مواد مخدر می گردد. از این رو با انگیزه استفاده ابزاری از جنس مونث در خانواده برای تأمین مواد مخدر تجربه های اولیه روسپیگری شکل می یابد:

« اولین بار وقتی پول نداشتیم صاحب جنس اوامد منزل ما و به همسرم گفت زنت با من بیاد، همسرم گفت

باهاش برو، هردومون خمار بودیم.» (کد ۱)

« منبع درآمد پدرم بودم، می گفت با پسرا ارتباط داشته باش که به او مواد بدهند، خودش پسرا رو می آورد خونه» (کد ۶)

«شوهرم معتاد بود، دوستاشو می آورد خونه که با من رابطه داشته باشن و به جاش پول بگیره.» (کد ۵)

« به خاطر داشتن درآمد و تهیه مواد ارتباط داشتن حسی به رابطه نداشتم پول می خواستم» (کد ۴)

سویه دیگر برای شکل گیری خانواده نابسامان ازدواج نادرست و انتخاب غلط است. در بعضی موارد ازدواج نادرست به دلیل سن کم دختر است که بدون دریافت نظر وی و گاهی با تحمیل خانواده رخ داده است. در بعضی موارد هم مورد اغفال مرد قرار گرفته و دقت نظر کافی در انتخاب صورت نگرفته است:

« ۱۴ سالگی ازدواج کردم. پدرم منو داد به پسرعموم که معتاد بود البته ما نمی دونستیم معتاده» (کد ۵)

«پدرم مادرم در ۸ سالگی در تصادف فوت شدند عموم سرپرستی ما رو به عهده گرفت زن عموم اذیت می

کرد عموم ۱۳ سالگی منو شوهر داد به یه معتاد» (کد ۱)

سویه احتمالی دیگر که موجب شکل گیری خانواده نابسامان می شود طلاق والدین است. هنگامی که در خانواده دارای فرزندان با سنین پایین طلاق رخ می دهد احتمال نامشخص بودن وضعیت فرزندان و عدم تأمین نیازهای اولیه و نیز فقدان توجه و عاطفه والدین افزایش پیدا می کند:

« من بچه بودم که والدینم طلاق گرفتند مامانم ازدواج کرد من موندم با پدرم که معتاد بود.» (کد ۶)

رخداد طلاق در نسبت با زنان مطلقه هم می تواند عامل پدیدایی خانواده نابسامان باشد. از آنجا که زن بعد از طلاق حمایت عاطفی و مالی خود را از دست می دهد در برخی موارد در تأمین نیازهای اولیه مربوط به خانواده و در نتیجه شاخصه های خانواده نابسامان دچار اشکال می شود:

« وقتی ازش جدا شدم نتونستم برگردم پیش خانوادم، رفتم پیش یکی از دوستانم » (کد ۲)

« دیگه از دستش خسته شدم طلاق گرفتم بعد از طلاق مرد میوردم خونه خودم » (کد ۵)

از دیگر مؤلفه های شکل گیری خانواده نابسامان عدم مراقبت و نظارت است. در برخی موارد که به دلایل اقتصادی، فرهنگی و آسیب های اجتماعی پدیدآمده زمینه نظارت بویژه بر فرزندان از بین می رود، فرزندان در معرض آسیب قرار می گیرند. این آسیب می تواند به دو نوع خودعامل بمنظور رفع خلاهای خود در ارتباط با دیگران و یا بصورت سوء استفاده دیگران بدلیل اطلاع از عدم مراقبت و نظارت در خانواده رخ دهد:

« ۱۲ سالگی از خونه فرار کردم پدر و مادرم با هم خوب نبودن، با مامانم خوب نبودم.» (کد ۳)

« امیر دوست پسر مامانم بود، همه رفته بودن بیرون، تو خواب امیر اومد بهم تجاوز کرد، جرئت نکردم

به مامانم بگم، بابام که زندان بود.» (کد ۴)

« من پرستار مادر بیمارم بودم، برادرم اذیت جنسی می کرد، مامانم کاری نمی کرد، هیچ کس به من

توجه نداشت» (کد ۹)

دسته دیگر از بسترهای ورود به تن فروشی *نداشتن چهارچوب و مذهب* است. فقدان زمینه های چهارچوب مندی اخلاقی در روابط اجتماعی چه از منظر تقوای دینی و چه از منظر تعهد به خانواده نقش پررنگی در شکل گیری مقدمات ورود به مقوله هایی مانند روسپیگری دارد. وقتی در خانواده ای چهارچوب ها نقش تعیین کننده در تصمیم گیری ها ایفا نمی کنند یا چهارچوب و معیارها منطبق بر هنجارهای اجتماعی نیستند، احتمال انحراف و کج روی بالا می رود. یکی از

ملاک های اصلی برای آنکه افراد را در تصمیم گیری ها در موقعیت های مشابه متمایز سازد؛ معیارها و خطوط قرمزی هستند که افراد به آنها متعهد می باشند:

« مادرم می دانست من از چه راهی پول در می آورم، اما مشکلی نداشت و همین که هرروز پول می

آوردم خوشحال بود. خودش اینکاره نبود اما می گفت اگر جوان بودم می کردم این کار» (کد ۳)

از مؤلفه های اصلی در فقدان چهارچوب مندی اخلاقی، قبح زدایی است. هنگامی که فرد در مواجهه با ناهنجاری های اجتماعی و عبور از خطوط قرمز قرار می گیرد قبح انگاری و میزان قبح پنداری وی بسیار تعیین کننده خواهد بود. بسترهای القاء و آموزش هنجارمندی در این زمینه می تواند مؤثر باشد:

« شنیده بودم اگر زنی برای امرار معاش این کارو بکنه گناه نمی کنه. ممکنه از نظر خیلیا زشت باشه

ولی از نظر من که زشتی نداره» (کد ۲)

زمینه دیگری که می تواند مقدمه ساز ورود زنان به تن فروشی باشد، نداشتن سرپناه است. افراد به شکل طبیعی در خانواده از سرپناه برخوردارند. زنی که به هر دلیلی مشکل امنیت مکانی دارد برای تأمین این نیاز ابتدایی طبیعتاً بایستی آورده اقتصادی داشته باشد. این درحالی است که زنانی که در موقعیت چالش سرپناه قرار می گیرند عمدتاً پیش از این چالش با چالش اقتصادی و عدم درآمد حداقلی مواجه بوده اند. در چنین شرایطی زنانگی و جذابیت های مربوط به آن می تواند در مبادله دو سویه به عنوان بهره مالی بهادار و ارزشمند مطرح شده و به عنوان اولین سرمایه اقتصادی قابل عرضه مورد توجه گیرد. نحوه ورود و شکل گیری زمینه های مربوط به این موقعیت گاهی در ارتباط با سرشبهه های تن فروشی (خاله) است و گاهی با شکل گیری روابط فردی و موردی است. در حالت اول باتوجه به بازاریابی شبکه ای که توسط سرشبهه های تن فروشی (خاله) شکل گرفته است حضور زنان با موقعیت فقدان مکان مناسب برای اقامت از مولفه های اصلی جذب سرشبهه ها محسوب می شود و خاله ها با در اختیار قراردادن مکان امن، غذا و ما یحتاج ضروری پیشنهاد همکاری در خدمات تن فروشی را عرضه می کنند:

« اومدم تهران جا نداشتم، تو پارک می خوابیدم. با خاله آشنا شدم همه چی از خاله بود خونه، غذا و

..درآمد من رو با هم نصف می کردیم» (کد ۸، کد ۷)

«دیگه خاله مثل مادر شده بود برام خالاهای خانواده رو جبران می کرد» (کد ۲)

«چند سالی با خاله بودم چون شب اونجا بودم و غذا و اینام بود ترجیح میدادم باهاش بمونم» (کد ۴)

در حالت دوم فرد یا افرادی بدون ارتباط شبکه ای صرفاً با برقراری رابطه موردی و با تأمین نیاز سرپناه و هزینه های اولیه زندگی در مقابل تن فروشی زمینه های شکل گیری روسپیگری حرفه ای در فرد را فراهم می آوردند.

« بعد از فرار همش اینور اونور بودم جا نداشتم با یکی دوست می شدم و میرفتم خونش، ارتباط داشتم باهاش اونم هزینه های منو می داد» (کد ۳)

همه آنچه که در مرحله اول به عنوان ورود مطرح شد بمثابه ضربه های کوچک مستمری هستند که اگرچه نقش علت تامه در ورود به روسپیگری را ندارند ولی زمینه ساز قوی و مؤثری برای تداوم و استمرار این مقوله و تبدیل آن به عادت یا حرفه در فرد می باشند.

استمرار

مرحله دوم یعنی استمرار به مولفه‌ها و عوامل تعمیق و تداوم روسپیگری در فرد می‌پردازد. در مرحله اول ضربه‌های کوچک مستمر زمینه ورود را فراهم می‌کردند. طبعاً عمل تن‌فروشی بدلیل قبح اجتماعی فراوان بویژه در جامعه ایرانی در هر زمان و هر شرایطی بصورت طبیعی دافعه خود را خواهد داشت. این قبح اجتماعی که عموماً با کراهت و انزجار نوعی که در ذات عمل بویژه در زنان همراه است برای استمرار نیازمند کشاننده‌های قوی است. این کشاننده‌ها مولفه‌های تداوم را شکل می‌دهند.

از مهمترین دلایل مانایی در روسپیگری *نداشتن خانه/ای امن* است. زنی که به هر دلیلی از خانه ای امن بی‌بهره است پناهگاه خود برای بازگشت را از دست می‌دهد و طبیعتاً اولین گزینه‌های موجود را انتخاب می‌کند تا از آوارگی و بی‌پناهی نجات پیدا کند. چنانچه در مرحله اول بیان شد فقدان سرپناه خود عامل مؤثری برای ورود است؛ قدرت عاملیت این مولفه علاوه بر ایجاد در بقا نیز بسیار موثر خواهد بود و تا زمانی که سرپناه برای فرد وجود نداشته باشد نیاز ابتدایی وی تامین نشده و وادادگی به روسپیگری ادامه خواهد داشت. این نیاز هم می‌تواند از سوی سرشبکه‌ها(خاله) تامین شود و هم از سوی شریک جنسی رقم بخورد:

«جای امن باشه من نمیرم سراغ تن‌فروشی» (کد ۷)

«ب» که سال‌ها تجربه واسطه‌گری در تن‌فروشی را داشته است می‌گوید: «اگر صد تا خانه امن مثل این خوابگاه(گرمخانه) بود، این همه زن وارد این کار نمی‌شدند. خیلی‌ها از سر بی‌جایی می‌رن سراغ این کار» (کد ۲)

از دیگر دلایل استمرار و تداوم روسپیگری *تامین نیاز عاطفی* است. براین اساس زنانی که اقدام به تن‌فروشی می‌کنند با مشاهده اولین روزنه‌های عاطفی در روابط خود تمایل زیادی به ادامه ارتباط پیدا می‌کنند. باتوجه به خلأ شدید عاطفی، دریافت محبت و عاطفه اندک زنان روسپی را وادار به ادامه رابطه و استمرار تن‌فروشی می‌کند. این دریافت عاطفه ممکن است از سوی سرشبکه‌ها(خاله) صورت گیرد یا از سوی فردی که مشوق تن‌فروشی است رخ دهد و یا شریک/شرکای جنسی در آن نقش مؤثر داشته باشند:

«پول منو دوست داشتن، منم پول می‌گرفتم می‌دادم به اونا که ازم را ضی با شن. اگه یه روز

پریود بودم و نمی‌تونستم برم، مامانم ناراحت بود.» (کد ۳)

«خاله واقعا جای خانواده رو برای من پر کرده بود» (کد ۲)

«در روابط بیشتر دنبال محبت و عاطفه می‌گشتم، پول خیلی برام مهم نبود» (کد ۱۰)

گاهی این روزنه‌های محبت و عاطفه سویه احترام آمیز هم پیدا می‌کند که نوعاً برای زنان تن‌فروش جذاب می‌باشد. باتوجه به رفتارهای غیرمحترمانه و گاهی تحقیرآمیزی که از سوی مشتریان در این گونه روابط رایج است، مواجهه با اولین نشانه‌های احترام و توجه می‌تواند رغبت به تداوم ارتباط را در فرد ایجاد کند:

«این مشتری‌ها چنان با احترام و محبت با من برخورد می‌کردند که با اینکه سه نفر بودند من

دوست داشتم باهاشون برم. محبتی که قبلش شبیهش رو ندیده بودم.» (کد ۲)

از دیگر عوامل امتداد روسپیگری از منظر زنان تن‌فروش، *احساس رها شدگی و طرد شدگی اجتماعی* است. چنانچه در عوامل ورود به روسپیگری توضیح داده شد وجود خانواده نابسامان نقش زمینه ساز برای ورود به تن‌فروشی را دارد. از کارکردهای اصلی خانواده نظارت و مراقبت است. افراد در درون خانواده حس تعلق و نظارت پذیری پیدا می‌کنند.

هنگامی که حضور خانواده بسامان به مدت طولانی از بین می رود احساس رهاشدگی و طردشدگی جایگزین آن می گردد و نوعی وادادگی را در فرد بدنبال خواهد داشت:

«خانواده م اصلا براشون مهم نیست من دارم چی کار می کنم.» (کد ۹)

«بعد از طلاق رفتم با دوستم زندگی کردم نمی تونستم برگردم خونه پدری.» (کد ۲)

یکی دیگر از دلایل امتداد در اقدام به تن فروشی نوع و سبک درآمد است. روش درآمد از تن فروشی در برابر سایر روشها آسان تر و کم مؤونه تر است. این نوع از درآمد بدون سرمایه گذاری، بدون هزینه های جانبی، سهل الوصول تر از دیگر مشاغل و در موارد بسیاری همراه با درآمد بالاتر از درآمد سایر مشاغل در دسترس است:

«پول تو خانواده ما خیلی مهم است، مهم نیست از کجا دربیاری اما مهمه داشته باشی» (کد ۳)

«حدود ۵ سال پیش ۶-۷ تومن روزی درمیوردم، خیلی پول برام مهم بود» (کد ۶)

نکته قابل توجه درخصوص این سبک درآمد، عامل انگیزشی نسبت به این گونه درآمدهاست. اگرچه برخی اندیشمندان علوم اجتماعی فقر و نابرابری اقتصادی را از عوامل اصلی بروز و تداوم رو سپیگری می دانند(ن.ک. مدنی قهفرخی ۱۳۹۶، ص ۲۰۲) لکن بنظر می رسد صرف فقر نمی تواند کساننده قدرتمندی برای ورود به این حرفه باشد. همان طور که یافته های این پژوهش فقر را به عنوان عامل ورود به تن فروشی نشان نداد، در فرآیند امتداد و استمرار آن نیز فقر و نیاز اقتصادی به عنوان عامل اصلی یافت نشده است؛ بلکه آنچه بدست می آید علاقه و انگیزه قوی تن فروشان برای دستیابی به درآمد بیشتر و سریع تر است. درآمدی که ابزاری برای ساخت نوعی سبک زندگی رفاه طلبانه و متمولانه خواهد بود:

«خیلیا میان پول بیشتر دربیارن، من خودم روزی یه تومن درآمد بود، سفرهای خارجی می

رفتم و همه رو شب عید خونم دعوت می کردم، برای خودم برو بیایی داشتم» (کد ۲)

«اصرار داشت من برم برنامه برای کسب درآمد، وامیستاد کنار خیابون که من برم سوار ماشین بشم.» (کد ۴)

از جنبه های قابل توجه در این نوع درآمدزایی آنست که باتوجه به سهولت دستیابی و میزان درآمد بالا از یک سو و عدم جایگزینی منبع درآمدی پایدار از سوی دیگر، نوعی عادی انگاری و عادت به آن در برخی افراد پدید می آورد. این وضعیت که وابستگی به وضع موجود و نبود راهکار جایگزین است استمرار و تداوم فعالیت را شکل می دهد:

«اصلا برام زشت نبود. شنیده بودم اگه زنی برای گذران زندگی تن فروشی کنه، گناه نداره» (کد ۲)

«دیگه عادت کرده بودم، پول خوب درمیوردم. مواد منو سر کرده بود» (کد ۴)

از دیگر مولفه های بدست آمده *تامین نیاز جنسی* است. اگرچه نیاز جنسی در شروع اقدام به تن فروشی و به عنوان عوامل ورود به آن در هیچ یک از روایت ها مطرح نشده نبود اما بنظر می رسد در تداوم رو سپیگری قابل ملاحظه است. میزان تاکید مشارکت کنندگان بر اهمیت نیاز جنسی و ایجاد انگیزه مانایی در این گونه روابط کمتر از سایر موارد بود، اما به همان میزان حداقلی قابل توجه است. یکی از مولفه هایی که زنان روسپی را در این نوع روابط ماندگار می سازد لذت و نیاز جنسی است که در بعضی از انواع روابط یا در ارتباط با یک نفر تامین می شود. معمولا در گزارش این زنان از ارتباط جنسی با همسر سابق خود عدم رضایت مشاهده می شود و زمانی که در چنین روابطی احساس لذت پدید آمده و نیاز جنسی تامین می شود انگیزه تداوم ارتباط تقویت می گردد:

«ازشون خوشم اومد، دوست داشتم باهاشون بخوابم.» (کد ۲)

«تو پارک منتظر مشتری بودم، باهاش آشنا شدم، دیگه بعدش باهاش رابطه داشتم و دوست داشتم.» (کد ۹)

«شوهرمو دوست نداشتم لذتی از رابطه باهاش نمی بردم» (کد ۴)

«وسط کار خیاطی، مرخصی می گرفتم میرفتم با دو تا افغانی بودن، رابطه داشتیم لذت هم می بردم برمی گشتم سرکار.» (کد ۹)

خروج

در مصاحبه با مشارکت کنندگان، موارد متعددی یافت شد که رو سپیگری را رها کرده و به روابط سالم بازگشته بودند. مواردی نیز همچنان به تن فروشی ادامه می دادند اما تجربه ترک تن فروشی در دوره ای از زندگی شان را داشتند. برخی هم سبک روابط خود را تغییر داده و میزان آن را کاهش داده بودند. مواردی هم شرایطی را مورد تاکید قرار می دادند که در صورت تامین آن تن فروشی را کنار خواهند گذاشت. همه این موارد رهیافت هایی را در جهت خروج از رو سپیگری و احیاء این افراد ارائه می دهند.

براین اساس یکی از ابتدایی ترین مواردی که در صورت تأمین آن، زمینه خروج زنان از تن فروشی را فراهم می کند تامین نیازهای اولیه و ضروری زیستی است. نیاز به مکان امن و غذای گرم نخستین نیاز این افراد است که عدم تامین آن، اساساً امکان بررسی سایر وجوه را از بین می برد:

علیزاده (مددکار و مسئول خانه سپیده هدایت): اینجا دکه ای بود پشت همین مرکز که زن ها به خاطر یک لیوان چای گرم تن فروشی می کردند.

«اومدم تهران همه چیزو فروخته بودم. تو پارک بودم. پول نداشتم و تن فروشی می کردم. الان که اومدم خوابگاه میرم ولی روزی یه بار. بخشی از پولو میدم به مواد بقیشو ذخیره می کنم بتونم خونه بگیرم. اینجا غذا و جای خواب دارم.» (کد ۱)

«وقتی محیط امن دارم، غذا دارم، تامین میشم، حاضر نیستم برگردم به اون شرایط.» (کد ۲)
در این میان حمایت مالی هدفمند از این افراد می تواند در بازگشت و انصراف از رو سپیگری کاملاً مؤثر واقع شود. این حمایت مالی می تواند به انحاء مختلف توسط خانواده یا فردی خاص صورت گیرد:

«مامانم بهم پول میده الان پانسیون هستم، دیگه تن فروشی نمی کنم.» (کد ۶)

«من لنگ پولم اگه کسی پول بده نمیرم خب.» (کد ۷)

ایجاد علقه عاطفی و برقراری رابطه ای سالم در بازگشت زنان روسپی موثر است. این تعلق عاطفی می تواند در قالب ازدواج رقم بخورد و یا آشنایی و ارتباط با فردی که جایگزین ازدواج رسمی بوده ولی بدلیل علقه ایجادشده به شکل ارتباط انحصاری با شد. گاهی برای برخی بدلیل عدم انقطاع کامل از خانواده سابق یا تعلق به فرزند یا فرزندان، تبدیل به انگیزه ای قوی برای بازگشت می گردد. در برخی دیگر ارتباط اثربخش و عاطفی با مددکار که نقش حمایتی قوی دارد خود تبدیل به انگیزه ای جدی برای بازگشت می شود:

«وقتی ازدواج کردم دیگه نرفتم سراغش. شوهرمو دوست داشتم.» (کد ۳)

«او (مسئول سپیده هدایت) دوست نداره من برگردم به اون قبل، دوست نداره «ب» از دست بره.» (کد ۲)

«تا وقتی با اون پسره بودم تن فروشی نمی کردم، قرار بود با هم ازدواج کنیم.» (کد ۹)

«خانواده م هیچ وقت پشتمو خالی نکردن. دیگه برگشتم.» (کد ۱۰)

یکی از عوامل خروج از تن فروشی، بازگشت به چهارچوب های اخلاقی و تقیدات فردی بویژه باورمندی مذهبی است. زنانی که از زمینه های باورمندی دینی بویژه در خانواده برخوردارند نه تنها گاهی در میانه راه امکان بازگشت آنها فراهم

شده و زمینه بازیابی پیدا می کنند بلکه گاهی در ابتدا و در مواجهه با عوامل پیش گفته ورود به تن فروشی نیز قدرت مقابله و خودنگهداری می یابند. بعضی از مشارکت کنندگان پس از پررنگ شدن مذهب در زندگی شان امید دوباره به زندگی پیدا می کنند و در تلاش برای جبران گذشته برمی آیند:

«الان نمی رم برای رابطه، ترک کردم، هیچ کس هم نفهمه خودم که می فهمم، زشته.» (کد ۴)

«شوهرم باعث شد بود بی قید شده بودیم الان دوباره به خدا برگشتم. خانواده من مذهبی بودن.» (کد ۱۰)

یکی از مؤلفه های برجسته در بازگشت زنان تن فروش، احیاء حس خودارزشمندی در آنان است. زنانی که تن فروشی می کنند در اغلب موارد به نوعی رهایی از خود و بی اهمیتی به خود و هرآنچه که مربوط به آن می باشد مانند سلامتی بدن، عزت نفس و... می رسند. هنگامی که در موقعیت توجه به خود و همه انواع عوارض مربوط به آن قرار می گیرند زمینه ایجاد نگرش مثبت و ارزشمند به خود را پیدا می کنند. این مقدمه می تواند زمینه برگشت پذیری را برای آنان فراهم نماید:

«شخصیتم خیلی باارزشه، دیگه اصلا سراغش نمیرم. عزت دارم.» (کد ۶)

از زمینه های شکل گیری احساس خودارزشمندی توجه به بدن و سلامت جسمی است. باتوجه به اینکه اقتضای رو سپیگری و روابط جنسی غیرکنترل شده عوارض جسمانی و بروز بیماری های مختلف از جمله بیماری های مقاربتی است، هنگام توجه دوباره به این مقوله و ارزش گذاری برای آن زمینه ترک تن فروشی در افراد پدید می آید. بویژه اگر تجربه بیماری هم در افراد وجود داشته باشد:

«می ترسم مریض بشم و دیگه خوب نشم.» (کد ۷)

موضوع بارداری و واهمه از آن هم می تواند سویه ای از توجه به خود و بدن خود باشد. نگرانی از این مساله اگرچه در غالب روابط رو سپیگری وجود دارد اما عبور از تهور در آن و توجه به پیامدهای آن می تواند موجب بازگشت پذیری افراد شود:

«می ترسم باردار بشم وگرنه کار با خاله درآمدمش خوب بود.» (کد ۷)

تجربه روابط مخاطره آمیز می تواند در بازگشت افراد مؤثر واقع شود. احتمال خطرات جانی که در این گونه روابط وجود دارد بویژه در خصوص زنانی که مورد خشونت قرار گرفته یا مسموم شده اند که پولی نگیرند می تواند موجب تصمیم به ترک رو سپیگری شود. اگرچه یکی از علل شکل گیری پدیده هایی مانند سر شبکه (خاله) در چرخه خدمات رو سپیگری همین تأمین امنیت جانی زنانی است که اقدام به تن فروشی می کنند؛ اما در هر حالت نافی خطرات معمول در این فرآیند نیست:

«کم می رم می ترسم بلایی سرم بیارن، از وقتی راننده منو برد کرج خیلی ترسیدم؛ نمی رم.» (کد ۹)

شاید بتوان برجسته ترین سویه احساس خودارزشمندی را توجه به عزت نفس دانست. شخصیت زنان در این گونه روابط نوعاً مورد تحقیر می شود. مواجهه خشونت آمیز، غیرعادلانه، همراه با اهانت و عدم ایفاء تعهد مالی برخلاف قرارداد موارد رایجی هستند که افراد در این گونه روابط تجربه می کنند. این خود زمینه ای برای ایجاد احساس شئیء شدگی و ابزارانگاری در فرد را بوجود می آورد. زن فاقد هرگونه ارزش شخصیتی و اجتماعی شده و صرفاً به عنوان کالای جنسی مورد توجه واقع می گردد:

«دیگه دلم نمی خواد برم، پول خوب نمیدن، یه وقت به جاش لباس میدن، لباس می خوام چی کار.» (کد ۹)

«تو کار با خاله، کم پول میدن، اذیت می کنن، دیگه با خاله ها کار نمی کنم.» (کد ۳)

در بسیاری از گزارش‌های زنان روسپی عدم لذت از رابطه جنسی موضوعی است که خود عاملی برای توجه به این نگرش ابزارانگاره و در نتیجه تنفر از آن است. این که دیگران صرفاً بدنبال خریداری سرمایه جنسی زن بوده و شخصیت او و تمایلات او برای آنها اهمیت نداشته باشد و حتی حق اعتراض و شکایت از آن را نیز نداشته باشد می‌تواند می‌تواند زمینه انصراف و بازگشت از آن را فراهم آورد:

«من هیچ لذتی از رابطه نمی‌برم فقط به پول فکر می‌کنم.» (کد ۱)

در این میان گاهی مولفه‌های دیگر که حاکی از تجربه مفید بودن و مولد بودن در مقطعی از زندگی است می‌تواند به بازگشت کمک کند. عبور از تمرکز بر درآمد و تامین نیازهای اولیه و شکل‌گیری احساس بهره‌وری در زندگی بویژه در ارتباط با دیگران نقش موثری در زمینه احیاء این افراد دارد. این تجربه می‌تواند در موقعیت‌هایی همچون کمک به دوستان در ترک اعتیاد یا بازگشت از تن‌فروشی و یا مجموعه خدمات مددکارانه و داوطلبانه شکل گیرد:

«من احساس نیاز به مفید بودن می‌کنم و اینجا این نیازم تامین میشه، وقتی نقش مددیار را ایفا می‌کنم.» (کد ۲)

نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر با هدف تحلیل بازگشت از روسپیگری یا ادامه آن براساس روایت زنان روسپی شهر تهران صورت گرفت. بررسی تحلیل روایت زنان روسپی از بازگشت یا عدم بازگشت از تن‌فروشی بیانگر سه مرحله است: مرحله اول ورود، مرحله دوم ابقا و وادادگی و مرحله سوم بازگشت و انصراف.

در **مرحله اول** عوامل و مؤلفه‌های ورود بمثابة ضربات کوچک مستمری ایفاء نقش می‌کنند که در کنار یکدیگر و گاهی بطور جداگانه در شروع اقدام به تن‌فروشی موثرند. نابسامانی خانواده به عنوان اولین و زیرساختی‌ترین زمینه ورود به تن‌فروشی شناخته می‌شود. یادگیری تن‌فروشی نوعاً از محیط‌های اجتماعی بویژه خانواده آغاز می‌شود. خانواده اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است که الگوهای ارزشی را به فرد انتقال می‌دهد و بر شکل‌گیری هویت و معناپردازی آن تأثیر گذار است (Berger, 1967: 20). وجود مشکلات در روابط درون خانواده، ناپایداری مالی، استفاده ابزاری از اعضای خانواده برای تامین مواد مخدر و مشروبات الکلی یا تنش‌های روانی حاد می‌تواند باعث ایجاد فشار روانی در اعضای خانواده شود. در این گونه خانواده‌ها کارکردهای مورد انتظار خانواده از بین رفته و الگوهای مثبت در خانواده به عنوان اولین محیط اجتماعی فراگیری الگوها و ارزش‌ها دریافت نمی‌شود. اگر خانواده قادر به ارائه الگوهای سازنده و مثبت به فرزندان خود نباشد زمینه آنکه افراد به دنبال تأمین نیازهای شخصی و رهایی از مشکلات خانواده از طریق تن‌فروشی باشند فراهم می‌شود (Berger, 1967: 21). مطالعات نشان داده است کودکانی که ایجاد علقه عاطفی مطلوب را با والدین یا مراقبان خود تجربه می‌کنند، احتمال آنکه در بزرگسالی به مشکلات روانی و اجتماعی مانند روسپیگری و رفتارهای جنایی دچار شوند، کمتر است (Bowlby, J. 1982, 65). کوهن نیز ضمن بررسی رفتارهای دلالتی و گروهی در جوامع شهری، به بررسی عوامل مختلفی که به روسپی شدن افراد در جامعه منجر می‌شود پرداخته و تأثیر نقش پدری و مادری و ارتباطات خانوادگی را بر روسپی شدن افراد بسیار مؤثر می‌داند (Cohen, 1955: 32).

چهارچوب مندی اخلاقی و مذهبی یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند در سختی‌ها و مشکلات مانعی برای انتخاب‌های غلط باشد. اگر معیار و چهارچوب یا مذهب نباشد، احتمال آنکه افراد با اندک فشاری به کج‌روی‌های اجتماعی نظیر تن‌فروشی روی بیاورند بالاست. دیدگاه «جامعه‌پذیری مذهبی»^۲ به بررسی تأثیر مذهب و ارزش‌های دینی بر رفتارها و

² Religious Socialization Theory

ارتباطات اجتماعی می‌پردازد. براین اساس افرادی که پایبندی بیشتری بویژه نسبت به تعالیم دینی دارند از رویکردهای مذهبی و اخلاقی برای پیشگیری از روسپیگری و رفتارهای غیراخلاقی استفاده می‌کنند و سبب می‌شود در مواجهه با فرصت‌های روسپیگری، تصمیم‌هایی بگیرند که با ارزش‌ها و تعالیم دینی آنها سازگار باشد (Kerley & Tewksbury, 2012: 93).

چنانکه بررسی روایت مشارکت کنندگان در این پژوهش نشان داد یکی از مولفه‌های اصلی ورود به تن فروشی تأمین نیازهای ضروری بویژه سرپناه و مکان امن است. یکی از نظریاتی که به بررسی ارتباط بین تأمین نیازهای ضروری مانند مکان و پناه و روسپیگری پرداخته است، نظریه «رضایت محیطی»^۳ است. این نظریه بر اساس فرضیه‌ای استوار است که افرادی که نیازهای اساسی خود را به خوبی تأمین می‌کنند، احتمالاً کمتر به روسپیگری روی خواهند آورد. براین اساس هر چه فرد بیشترین نیازهای ضروری مانند مکان مناسب برای زندگی و پناهگاه، امنیت و ارتباط اجتماعی را تأمین کند، احتمال وقوع روسپیگری و اقدامات غیراخلاقی کمتر خواهد بود. به عبارت دیگر ارتباط مستقیم بین رضایت محیطی و روسپیگری وجود دارد؛ زیرا رضایت از محیط زندگی و تأمین نیازهای ضروری می‌تواند به عنوان عاملی محافظتی علیه روسپیگری عمل کند (Van Voorhis & others, 2015: 49).

مرحله دوم مرحله‌ای است که فرد تن فروشی را می‌پذیرد، ادامه می‌دهد و ممکن است سال‌ها در این مرحله باقی بماند. یکی از عوامل استمرار روسپیگری فقدان سرپناه و مکانی امن است. چنانکه پیش‌تر ذکر شد فقدان سرپناه خود عامل مؤثری برای ورود است؛ قدرت عاملیت این مولفه علاوه بر ایجاد، در بقاء نیز بسیار مؤثر خواهد بود و تا زمانی که سرپناه امن برای فرد وجود نداشته باشد نیاز ابتدایی وی تأمین نشده و وادادگی به روسپیگری ادامه خواهد داشت. مید^۴ یکی از جامعه‌شناسانی است که به بررسی نقش محیط اجتماعی، از جمله نیازمندی‌های اقتصادی در تشکیل و تداوم روسپیگری افراد می‌پردازد. نتایج پژوهش‌های وی نشان می‌دهد شرایط اقتصادی پیرامونی و عدم تأمین نیازهای اولیه می‌توانند بر شکل‌گیری و استمرار رفتارهای ناهنجار اجتماعی از جمله تن فروشی تأثیرگذار باشند. براین اساس اگر فرد در یک محیط اقتصادی فقیر بزرگ شود، ممکن است به دنبال راه‌هایی برای برطرف کردن نیازهای اولیه اقتصادی خود باشد که در بسیاری از موارد به رفتارهای تن فروشی منجر شود (Mead, 1934: 41).

از جمله پرسش‌هایی که در روایت مشارکت کنندگان مورد بررسی قرار گرفت نقش عامل اقتصادی در گرایش به تن فروشی و ماندگاری در آنست. در تحقیقات برخی اندیشمندان علوم اجتماعی بر نسبت مستقیم میان فقر اقتصادی و روسپیگری تأکید شده است (ن.ک. مدنی قهفرخی، ۱۳۹۶: ۲۰۲). دورکیم نوسانات اقتصادی را یکی از علل مهم کجروی در جامعه می‌داند. بدین‌گونه که در زمان بحران و کساد، فقر و بیکاری افزایش می‌یابد و از دلگرمی افراد کاسته شده و روحیه آنان تضعیف می‌گردد. با کاهش میزان درآمد و سستی بنیان اقتصادی جوامع جرائمی چون روسپیگری افزایش می‌یابد (فرجاد، ۱۳۷۴: ۱۲۳). کوئینگ در تکمیل نظریه دورکیم چنین می‌گوید: فقر به‌تنهایی یک عامل ثبات بخش است، اما اگر در مقابل تصویر ثروت و یا آرزوهای بلندپروازانه رفاه ارائه شوند، در آن صورت فقر غیرقابل تحمل می‌شود و رفتارهای انحرافی و نارضایتی اجتماعی رشد می‌کند. براین اساس رواج لوکس‌گرایی بی‌پشتوانه در سال‌های اخیر در ایران می‌تواند به عنوان یکی از ریشه‌های این پدیده مطرح گردد. اختلاف طبقاتی موجود در جامعه در کنار انگیزه قوی برای کسب رفاه اجتماعی، موجب می‌شود تا برخی از زنان انگیزه خود را از طریق فروش تن به عمل تبدیل کنند (دادخواه، ۱۳۸۴: ۳-۴).

³ Environmental Satisfaction Theory

⁴ Mead, G. H

آنچه که یافته های پژوهش حاضر نشان داد آنست که تاثیرگذاری مولفه نیاز مالی و نابرابری اقتصادی در نقطه آغاز تن فروشی در سطح عاملیت نیست و اگرچه ممکن است در حد مقدمه ها و زمینه های اولیه نقش آفرین باشد اما در گزارش روایت زنان تن فروش به عنوان علت ورود شناخته نشده و نمی تواند کشاننده قدرتمندی برای ورود به این حرفه باشد. لکن در ادامه و در مرحله دوم نقش عامل اقتصادی پررنگ شده و در گزارش روایت های مربوط به مرحله دوم به عنوان مولفه های اصلی در نظر گرفته شده است. براین اساس عامل اقتصادی در زمره عوامل امتداد و مانایی در روسپیگری است. نکته قابل توجه درخصوص این مولفه، علت یابی اصلی انگیزشی نسبت به این گونه درآمدهاست. اگرچه عامل اقتصادی را می توان از عوامل اصلی بروز و تداوم در نظر گرفت لکن بنظر می رسد همان طور که این پژوهش فقر را به عنوان عامل ورود به تن فروشی نشان نداد، در فرآیند امتداد و استمرار آن نیز صرف فقر و نیاز اقتصادی به عنوان عامل اصلی یافت نشده است؛ بلکه آنچه بدست می آید علاقه و انگیزه قوی تن فروشان برای دستیابی به درآمد بیشتر و سریع تر است. درآمدی که ابزاری برای ساخت نوعی سبک زندگی رفاه طلبانه و متمولانه خواهد بود. بر اساس نظریه مرتون⁵ جامعه ای که تأکید زیادی بر موفقیت مادی دارد ثروت به عنوان یک هدف فرهنگی و اجتماعی شناخته می شود و از آن جا که قشر کوچکی از جامعه دسترسی گسترده ای به امکانات و اهداف مالی دارند و قشر وسیع تر دسترسی ناچیز، برای گروه مردم ابزار و اهداف با هم منطبق نیستند. این گروه هدف را مطلوب می دانند ولی امکان دسترسی بدان را ندارند در این صورت امکان دارد برخی افراد جهت رسیدن به اهداف خویش به راه های غیرقانونی چون روسپیگری روی آورند و بدین ترتیب پای بندی خود را نسبت به ارزش ها و اهداف جامعه یعنی ثروتمند شدن حفظ کرده ولی آن را از طریق ابزارهای تأیید نشده جستجو کنند (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۱-۷۰).

از دیگر دلایل استمرار و تداوم روسپیگری *تامین نیازهای عاطفی* است. براین اساس زنانی که اقدام به تن فروشی می کنند با مشاهده اولین روزنه های عاطفی در روابط خود تمایل زیادی به ادامه ارتباط پیدا می کنند. با توجه به خلأ شدید عاطفی، دریافت عاطفه اندک زنان روسپی را نسبت به ادامه رابطه و استمرار تن فروشی قانع می کند. تامین نیازهای عاطفی برای این گونه افراد به شکل های مختلف امکان پذیر است. گاهی این رابطه عاطفی در تعامل با یک یا چند نفر شریک جنسی رخ می دهد و گاهی در ارتباط با برخی سرشیکه ها (خاله) شکل می گیرد.

از دیگر مؤلفه های مرتبط با روسپیگری مقوله نیاز جنسی است. اگرچه در پژوهش حاضر نیاز جنسی به عنوان عامل ورود به تن فروشی یافت نشد اما در تداوم روسپیگری قابل ملاحظه است. میزان تاکید مشارکت کنندگان بر اهمیت نیاز جنسی و ایجاد انگیزه تداوم تا اندازه ای قابل توجه است. یکی از مولفه هایی که زنان روسپی را در این نوع روابط ماندگار می سازد لذت و نیاز جنسی است که در بعضی از انواع روابط یا در ارتباط با یک نفر تامین می شود. معمولاً زنانی که بر عامل لذت جنسی در استمرار روسپیگری تأکید کرده اند از ارتباط جنسی با همسر سابق خود اعلام عدم رضایت کرده اند و هنگامی که در چنین روابطی احساس لذت پدید می آید و نیاز جنسی تامین می شود انگیزه تداوم ارتباط تقویت می گردد. وجود اختلال روانی و در نتیجه روابط تنوع طلبانه با افراد مختلف نیز از عوامل روسپیگری گزارش شده است که البته در پژوهش حاضر مصداقی برای آن بدست نیامد. روسپیگری و تامین نیازهای جنسی دو مفهوم متفاوت هستند اما معمولاً تأثیراتی بر یکدیگر دارند، به ویژه در زمینه روابط جنسی و جامعه شناسی جنسیت. مطالعات جامعه شناسی جنسیت و روابط جنسی پیشنهاد می دهند که تامین نیازهای جنسی می تواند به روسپیگری فرد کمک کند. به عنوان مثال، یک محیط فرهنگی و اجتماعی که با تحقق نیازهای جنسی سالم و ارتباطات جنسی محترمانه همراه است، به فرآیند پیشگیری از روسپیگری

⁵ Robert K. Merton

فرد کمک می کند. در مقابل، محیط‌هایی که به سرکوب یا تضييع نیازهای جنسی منجر می‌شوند می‌توانند به مشکلات روسپیگری و اعتماد به نفس جنسی منجر شوند (Tolman & McClelland, 2011: 37).

مرحله سوم که مرحله احیا فرد و خروج از روسپیگری است به عواملی اشاره می‌کند که به فرد کمک می‌کند از تن فروشی خارج شود. یکی از عواملی که زمینه ساز بازگشت فرد را فراهم می‌کند تأمین نیازهای ضروری مانند مکان و سرپناه است. چنانچه پیش‌تر گفته شد براساس نظریه رضایت محیطی فردی که در یک محیط امن و پایدار زندگی می‌کند و احساس امنیت و رضایت از محیط اطراف خود دارد، احتمالاً کمتر به روسپیگری نیازمند خواهد بود. زیرا او تمایل کمتری به جستجوی راه‌های غیراخلاقی برای تأمین نیازهای خود خواهد داشت و ارتباطات مثبت و سازنده‌ای با اطرافیان خود را تجربه می‌کند. از سوی دیگر، افرادی که با محیط نامطمئن، ناپایدار و فقیر آشنا هستند، احتمالاً بیشتر به روسپیگری متمایل هستند، زیرا ممکن است به دنبال راه‌های ناقض اخلاقیات برای تأمین نیازهای خود باشند. براین اساس با تأمین نیازهای ضروری افراد زمینه تن فروشی در افرادی که به این دلیل به روسپیگری ورود کرده اند از بین می‌رود.

دومین دسته از عوامل کمک کننده به بازگشت، علقه‌ها و حمایت‌های عاطفی است که در فرد از قبل وجود داشته و یا در ادامه شکل می‌گیرد. این تعلق عاطفی می‌تواند در فرزندی که از زندگی وی حذف نشده یا خانواده‌ای که همچنان منتظر بازگشت او هستند یا یک دوست یا مددکار و یا درمانگر متبلور شود. «نظریه پیوستگی»⁶ به بررسی ارتباط بین روابط عاطفی/تعلق عاطفی با پیشگیری از روسپیگری پرداخته است. این نظریه توسط جان بولبی⁷ و مری آینسورت⁸ به بررسی نقش ارتباطات عاطفی بین کودکان و والدین در تشکیل تعلقات عاطفی و تأثیرات آن بر رشد و توسعه آنها می‌پردازد. بنیادی‌ترین ایده در نظریه پیوستگی آنست که رابطه عاطفی میان کودک و والدین یا مراقبان آنها، ارتباطی اساسی برای توسعه روانی سالم و سازگاری اجتماعی در زمان بزرگسالی فرد است. براساس این نظریه، تعلق عاطفی به یک فرد محافظت کننده و ایمنی اضافی ارائه می‌دهد که می‌تواند فرد را از خطرهای روانی و اجتماعی، از جمله روسپیگری، حفظ کند (Bowlby, 1982: 57).

مؤلفه دیگری که در پژوهش حاضر به عنوان عامل خروج از تن فروشی یافت شد ایجاد نگرش مثبت به خود و در نتیجه اهمیت دادن به آن چیزی است که مربوط به خود است. افراد در فرآیند روسپیگری با تجربه‌های مختلفی از جمله تجربه‌های منفی و آسیب‌زا مواجه می‌شوند. برای تداوم در روسپیگری آنچه بیش از هر چیز دیگر از منظر فردی موثر است عدم توجه به آسیب‌های جسمی و روانی و پیامدهای آن در پرتو نوعی خودفراموشی است. در مقابل هنگامی که بهانه‌هایی برای خودآگاهی در این زمینه و توجه عمیق به آسیب‌های آن بر فرد بوجود می‌آید زمینه شکل‌گیری احساس خودارزشمندی و در نتیجه جایگزین‌هایی برای موقعیت تن فروشی فراهم می‌گردد. مواردی مانند ترس از بیماری و یا بارداری، خطرات جانی، سوء استفاده و احساس ناامنی بواسطه روابط پرخطر می‌توانند منجر به توجه بیشتر به خود و رهایی از خودفراموشی شوند. همچنین عدم لذت از روابط جنسی و احساس ابزارانگاری در خوشگذرانی دیگران و ناتوانی از اعتراض و مدیریت موقعیت و تکرار این تجربه می‌تواند دلدزدگی و تنفر از شرایط بوجودآمده را به زمینه‌ای برای بازگشت تبدیل کند. یکی از تبیین‌های صورت گرفته در این زمینه نظریه «یادگیری اجتماعی»⁹ است. این نظریه توسط آلبرت

⁶ Attachment Theory

⁷ John Bowlby

⁸ Mary Ainsworth

⁹ Social Learning Theory

باندورا^{۱۰} توسعه یافته است و به بررسی نقش مشاهده، تقلید و تقویت در شکل‌گیری رفتارها و احساسات فردی می‌پردازد. باندورا در تحقیقات خود به بررسی ارتباط بین احساس خودارزشمندی و روسپیگری پرداخته است. او معتقد است که احساس خودارزشمندی قوی می‌تواند از جمله عواملی باشد که افراد را مقاومت‌پذیرتر در برابر فرایند روسپیگری کند. به عبارت دیگر، افرادی که احساس خودارزشمندی قوی دارند و یا در موقعیت‌هایی این احساس را تجربه می‌کنند احتمالاً کمتر به فشارهای روسپیگری پاسخ می‌دهند و بیشتر به ارزش‌ها و اعتقادات شخصی خود پایبند می‌مانند (Bandura, 1977: 28). این احساس خودارزشمندی گاهی در کمک به دیگران و در فعالیت‌های خیرخواهانه بیشتر نمایان شده و به مولد بودن و ایجاد ارزش افزوده در فرد کمک می‌کند.

از عوامل دیگر کمک‌کننده به خروج از تن‌فروشی پررنگ شدن چهارچوب‌های ارزشی است. چهارچوب‌های ارزشی می‌توانند به دو شکل دینی و یا اخلاقی عاملیت داشته باشند. تعالیم دینی و حریم‌های مذهبی و نیز ارتباط با خدا می‌تواند به فرد کمک کند تا به بازتعریف روابط اجتماعی بپردازد. نظریه جامعه‌پذیری دینی به بررسی تأثیرات مذهب و ارزش‌های دینی بر رفتارها و ارتباطات اجتماعی فردی از جمله اثرات آن بر پیشگیری از روسپیگری پرداخته و نقش آن را در بازگشت از تن‌فروشی بسیار مؤثر می‌داند. افرادی که به تعالیم دینی پایبند هستند و ارتباط عمیقی با مراکز مذهبی دارند، تجربه و توانایی استفاده از روش‌های دینی و بازدارنده را برای پیشگیری از روسپیگری و رفتارهای غیراخلاقی می‌یابند (Kerley, 2012: 89 & Tewksbury). پایبندی‌های اخلاقی نوع دیگری از چهارچوب‌های ارزشی است که توجه به آنها در گزارش‌های مربوط به خروج از روسپیگری مشاهده شده است. «نظریه حریم»^{۱۱} به بررسی نقش حریم شخصی در حفظ ارزش‌ها و اخلاقیات فردی و جلوگیری از نقض آنها توسط دیگران می‌پردازد. این نظریه معتقد است که داشتن یک حریم شخصی قوی و چهارچوب‌های اخلاقی و ارزشی به فرد کمک می‌کند تا از ورود دیگران به زندگی شخصی و زمینه‌سازی برای اقدام به روسپیگری جلوگیری کند. حریم شخصی ممکن است شامل محدودیت‌هایی برای دسترسی دیگران به اطلاعات شخصی یا مشارکت در فعالیت‌هایی باشد که می‌تواند حیات خصوصی فرد را نقض کند. براین اساس افرادی که حریم شخصی خود را تقویت می‌کنند و به چهارچوب‌های اخلاقی و ارزشی پایبند هستند، احتمال بیشتری برای بازگشت از تن‌فروشی دارند و در مقابل افرادی که حریم شخصی ضعیفی دارند و به ارزش‌های اخلاقی کمتری پایبند هستند، بیشتر تحت فشار تداوم روسپیگری قرار می‌گیرند (Westin, 1967: 72).

پیشنهاد‌های سیاستی:

براساس آنچه که در این مقاله به عنوان تحلیل بازگشت از روسپیگری یا ادامه آن به روایت زنان روسپی شهر تهران بیان گردید موارد زیر به عنوان پیشنهاد‌های سیاستی و راهکارهای اجرایی در این موضوع ارائه می‌گردد:

- با توجه به مقوله نابسامانی خانواده به عنوان اولین زمینه ورود به تن‌فروشی و شکل‌گیری زمینه‌های اولیه یادگیری آن در خانواده‌های نابسامان، پیشنهاد می‌گردد طراحی و اقدام مؤثر در زمینه شناسایی و غربالگری دختران دانش‌آموز دارای خانواده نابسامان به منظور مداخله‌های پیشگیرانه توسط مشاوران آموزش و پرورش با همکاری روانشناسان و درمانگران بویژه روانشناسان بالینی و سازمان‌های ذی‌ربط در دستور کار قرار گیرد تا ضمن غربالگری کامل این دسته از دانش‌آموزان، اقدامات حمایتی مؤثر انجام شود.

¹⁰ Albert Bandura

¹¹ Privacy Theory

- همانطور که نتایج این پژوهش نشان داد یکی از مولفه های اصلی ورود و استمرار در تن فروشی تأمین نیازهای ضروری بویژه سرپناه و مکان امن است. پیشنهاد می گردد نسبت به سامان دهی مراکز نگهداری موقت و سامان سراها ویژه زنان آسیب دیده اقدام خاص صورت گیرد. براین اساس ضروری است ضمن اعمال نظارت بر اماکن موجود، طراحی ویژه درخصوص تأمین مراکز دارای استانداردهای لازم و به میزان کافی و دسترسی مناسب و با ایجاد ساز و کار شناسایی زنان در معرض آسیب توسط سازمان ها و دستگاه های متولی صورت گیرد.
- یکی از دلایل استمرار و تداوم روسپیگری تامین نیازهای عاطفی ذکر شد. همچنین وجود یک مراقب عاطفی به خروج افراد کمک بسزایی می کند. براین اساس پیشنهاد می گردد اقدامات لازم درخصوص تأمین و آموزش شبکه مددکاران و همیاران اجتماعی بمنظور مداخله و انجام مراقبت های عاطفی و حمایتی از زنان آسیب دیده صورت گیرد.
- باتوجه به نقش نگرش مثبت به خود و نیز چهارچوب های ارزشی و تعالیم دینی در مرحله خروج پیشنهاد می گردد ارائه آموزشهای لازم با محوریت دومقوله یادشده در بازاجتماعی کردن زنان مبتلا به تن فروشی در دستور کار قرار گیرد.

منابع:

- ابراهیمی، فرخنده و اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۶ ه ش)، «نقش خانواده در بزهکاری و پیشگیری از وقوع جرم»، نشریه مطالعات حقوق؛ ش ۱۵.
- احمدی، آيسان (۱۳۹۳ ه ش)، «ارزیابی طرح‌های پیشگیری اجتماعی در قبال روسپیگری خیابانی در شهر تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت.
- اعزازی، شهلا (۱۳۹۴ ه ش)، جامعه شناسی خانواده، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- آشوری، محمد، و روایی، اکبر (۱۳۸۹ ه ش)، «خانواده و روسپیان خیابانی»، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهار ۱۳۸۹، صص ۱-۲۰، دوره ۴۰، شماره ۱.
- انصاری، سارا، افسرکازرونی، پروین و غزایی، بنفشه (۱۳۹۰ ه ش)، «اختلال‌های شخصیتی و شیوه‌های رویارویی در زنان روسپی»، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال هفدهم، شماره ۱، ۷۵-۷۱.
- ایزدی، حسین و ضرغامی، افراسیاب (۱۳۹۳ ه ش)، «عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر پدیده روسپیگری در شهر شیراز»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره نهم، شماره ۱.
- برزی، امیر قصاب (۱۳۹۳ ه ش)، «بررسی مردم‌شناختی جنبه‌های فرهنگی روسپیگری (شرق تهران)» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- بلالی، اسماعیل و خان محمدی، جمال و هوشمندی یاور، مجتبی (۱۳۹۳ ه ش)، «بررسی عوامل درون خانوادگی مؤثر بر خانه‌گریزی دختران (مطالعه موردی: دختران خانه‌گریز و غیرخانه‌گریز شهر همدان)»، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، صص ۱۲۵-۱۵۵.
- بهاری، رقیه و گلشن فومنی، محمدرسول (۱۳۹۲ ه ش)، «سرمایه اجتماعی و انواع روسپیگری (تهران، رشت، کرمانشاه، اصفهان، شیراز)»، نشریه پژوهش اجتماعی، شماره ۱۸، صص ۱۵۷-۱۷۸.
- بیرو، آلن (۱۳۹۲ ه ش)، ترجمه باقر ساروخانی، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران، انتشارات موسسه کیهان.
- پارسی نژاد، کامران (۱۳۹۹ ه ش)، «تحلیل محتوای روسپیگری در رمان‌های دوره پهلوی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران غرب.
- تازیکی، طلعت (۱۳۹۱ ه ش). «مطالعه جامعه‌شناختی پدیده روسپیگری در بین زنان و دختران آسیب دیده در بجنورد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- حسینی، سید احمد، و آقایی، مرضیه (۱۳۸۷ ه ش)، «بررسی عوامل مؤثر بر پدیده روسپیگری»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال اول، شماره اول.
- حمزه علی، ساناز (۱۳۹۴ ه ش). «بررسی جامعه‌شناختی پدیده روسپیگری در شهر تهران»، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- خدابخشی، آنهیتا، دمیرجی، فاطمه (۱۳۹۵ ه ش). «بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی ارتقا دهنده‌ی سلامت در دو گروه از زنان معتاد تن‌فروش و زنان معتاد غیرتن‌فروش (مطالعه‌ی مورد شاهدی شهر تهران)»، فصلنامه پرستاری گروه‌های آسیب پذیر، سال سوم، شماره ۷، صص ۵۹-۷۱.
- خیشه، سارا (۱۴۰۱ ه ش)، «سیاست‌گذاری اجتماعی امر اخلاقی، بررسی موردی روسپیگری در ایران» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- دادخواه، ا. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر روسپیگری زنان در ایران، سایت جمهوری، صص ۱-۱۱.
- ربانی خوراسگانی، علی، و قانع عزآبادی، فریبا (۱۳۹۴ ه ش)، «بررسی تجارب زیسته زنان روسپی (مورد مطالعه: شهرهای یزد و اصفهان)» پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره پیاپی ۱۰، شماره دوم، صص ۴۹-۶۸.

- رستمی، مینا (۱۳۹۶ ه ش)، «بزهکاری زنان و روسپیگری در جامعه ایرانی»، چهارمین کنفرانس ملی حقوق و علوم جزا.
- رفیعی، بی بی نیره (۱۳۹۹ ه ش)، «بررسی شیوع اعتیاد جنسی و ارتباط آن با تروماهای دوران کودکی و احساس گناه جنسی در زنان روسپی مراجعه کننده به مرکز ارتقاء سلامت اجتماعی زنان مشهد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی شان‌دیز.
- روزگار، زهرا (۱۴۰۰ ه ش)، «رابطه بین صفات تاریک شخصیت (ماکیاولیسم، جامعه ستیزی و خود شیفتگی) و عوامل اقتصادی - اجتماعی روسپیگری زنان در شهرستان مرودشت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی خرد، بوشهر.
- زارعی دوست الهام، محمد کاظم عاطف وحید، بیان زاده، سید اکبر و بیرشک بهروز (۱۳۸۶ ه ش)، «مقایسه منبع کنترل، شیوه های مقابله و باورهای غیرمنطقی در زنان روسپی و عادی شهر تهران»، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال ۱۳، شماره ۳، صص ۲۷۲-۲۷۹.
- ستوده، هدایت‌اله (۱۳۸۹ ه ش)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران آوای نور.
- سحابی، فروزان (۱۳۹۷ ه ش)، «آسیب‌شناسی اجتماعی مسئله تن‌فروشی در شهر رشت»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- شکربیگی، عالییه، و قزوینه، ژیلا (۱۳۹۶ ه ش)، «روسپیگری زنان، موردپژوهی روسپیگری زنان کولی در محله حکمت آباد کرمانشاه»، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۱۵، شماره ۳، صص ۱۴۵-۱۶۴.
- شهیدانی، شهاب، ا صلاحی، مه‌شید سادات، ا صلاحی، متین سادات (۱۴۰۰ ه ش)، «تبیین رویکرد جامعه و علل رواج روسپیگری زنان در عصر صفوی»، نشریه پژوهش نامه زنان، سال ۱۲، شماره ۴، صص ۷۵-۱۰۳.
- صیدی، معصومه، غفوری، اعظم و جلالی، محمدرضا (۱۳۹۳ ه ش)، «بررسی ویژگی های شخصیتی و سبک های مقابله ای در سه گروه از زنان تن فروش، معتاد و عادی»، فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد، سال هشتم، شماره ۲۹.
- حسینی، طیبیه سادات (۱۳۹۷ ه ش)، «عوامل موثر بر گرایش به رفتار روسپیگری زنان معتاد در شهر مشهد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، پارس رضوی گناباد.
- علی پور، طوبی (۱۳۹۵ ه ش)، «بررسی سازوکارهای بازاجتماعی کردن زنان بزهکار جرایم جنسی» پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه حقوق دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی.
- غلامعلی، نسرین (۱۳۹۸ ه ش)، «واکاوی ساختار خانواده و الگوهای روابط والدینی در پدیده روسپیگری»، کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی.
- فاتحی، ابولقاسم، صادقی، سعید و ابراهیم اخلاصی (۱۳۸۹ ه ش)، «توصیف و تحلیل ویژگی های جامعه شناختی و روان شناختی دختران و زنان روسپی در استان اصفهان»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲.
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۴)، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، چاپ ششم.
- فرمانفرمائی، ستاره (۱۳۴۹ ه ش)، «پیرامون روسپیگری در شهر تهران»، طرح پژوهشی، تهران، آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- قربانی، اسماعیل (۱۳۹۸ ه ش)، «نقد و تحلیل جامعه شناختی پدیده روسپیگری از منظر توسعه اقتصادی-اجتماعی و راهکارهای مداخله در آن در ایران با تاکید بر شهر بجنورد»، رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.
- قربانی، اسماعیل، کرمانی، مهدی، بهروان، حسین و اکبری حسین (۱۳۹۶ ه ش)، «روسپیگری: تحمیل اجتماعی یا انتخاب شخصی؛ ارائه یک تحلیل کیفی»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲.

- قربانی، اسماعیل، مهدی کرمانی، حسین بهروان، حسین اکبری (۱۴۰۱ ه ش)، «رو سپیگری در بسترتوسعه ناتمام؛ ارائه یک تحلیلی کیفی»، مطالعات جامعه شناختی، دوره ۲۹، شماره ۱، صص ۳۶۹-۳۸۹.
- کتابی، احمد (۱۳۸۷ ه ش)، درآمدی بر اندیشه ها و نظریه های جمعیت شناسی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کرمانی، مهدی، بهروان، حسین (۱۳۹۶ ه ش)، روسپی گری: تحمیل اجتماعی یا انتخاب شخصی؛ ارائه یک تحلیل کیفی، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، تابستان، شماره ۱۲.
- کلانتری، صمد و دیگران (۱۳۸۴)، ارتباط فقر با قانون گریزی و شکل گیری آسیب اجتماعی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۶۵-۹۰.
- کوئن، بروس (۱۳۹۳ ه ش)، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن تلاش، چاپ اول، تهران، نشر فرهنگ معاصر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷ ه ش)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ چهارم، تهران، نشر نی.
- متعارفی، لیلا (۱۳۹۰ ه ش)، «مطالعه ساختار جامعه ی روسپیان از زمان تشکیل حکومت قاجار در تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۶ ه ش)، جامعه شناسی روسپی گری، بررسی آسیب های اجتماعی، چاپ چهارم، تهران، نشر کتاب پارسه.
- مدنی قهفرخی، سعید، روشنفکر، پیام و مداح، هما (۱۳۸۹ ه ش)، «مقایسه برخی ویژگی های روسپی های بزرگسال و کودک در شهر تهران»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، سال اول، شماره سوم.
- مدنی قهفرخی، سعید، رئیس دانا، فریبرز و روشن فکر، پیام (۱۳۹۱ ه ش)، «بازار تن فروشی خیابانی زنان در کلان شهر تهران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، تهران، دوره ۶، شماره ۱.
- مساواتی، مجید (۱۳۹۲ ه ش)، جامعه شناسی انحرافات آسیب شناسی اجتماعی ایران، تبریز، انتشارات نوبل.
- مارکس، کارل (۱۸۶۷)، سرمایه: نقد اقتصاد سیاسی، دفتر اول، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر مرکز.

Bandura, A. (1977). *Social Learning Theory*. Prentice Hall.

Berger, P. L. (1967). *The Sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion*. Anchor Books.

Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss: Attachment*. Basic Books.

Cohen, A. K. (1955). *Delinquent Boys: The Culture of the Gang*. The Free Press.

Diamond, L. M. (2005). A new view of lesbian subtypes: Stable versus fluid identity trajectories over an 8-year period. *Psychology of Women Quarterly*, 29(2), 119–128. doi:10.1111/j.1471-6402.2005.00175.x.

Kerley, K. R., Copes, H., & Tewksbury, R. (2012). The role of religion in prison coping *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 28(1), 83–101.

Mead, G. H. (1934). *Mind, Self, and Society: From the Standpoint of a Social Behaviorist*. Chicago: University of Chicago Press.

Tolman, D. L., & McClelland, S. I. (2011). Normative Sexuality Development in Adolescence: A Decade in Review, 2000–2009. *Journal of Research on Adolescence*, 21(1), 242–255. doi:10.1111/j.1532-7795.2010.00726.x.

Van Voorhis, C. R., Cullen, F. T., & Mathers, R. A. (2015). "A meta-analysis of the predictors of delinquency among girls." *Journal of Youth and Adolescence*, 44(2), 356-371.

Westin, A. F. 1967 *Privacy and Freedom*. Atheneum.